

خجسته باد هشتم ماه مارس، روز همبستگی زمی زنان سراسر جهان!

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

فرخنده باد هشتم مارس!

دکتر بار هشتم مارس (۱۷ اسفند ماه) روز همبستگی زمی زنان سراسر جهان فرامی رسد. برای اکثریت مطلق زنان ایرانی که معملاً نباشند بی عدالتی، پاییمال شدن حقوق انسانی خود، تبعیضات گوشاگون و اوضاع نابسامان اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند و هنوز از کابوس چنگ بقیه در ص ۲

در هفته‌گذشته خبر اعدام این رفاقتی تایید شد:

★ مجید منبری

★ ناخدا یکم قدرت الله مقیمی

★ عباسعلی فرهمندیان

اللیلا عباس فرهمندیان بهجای رسیده بود

نامه مردم

از گان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۴۴۹۵ دوره ۶ هشتم سال پنجم
سه شنبه ۱۲، ۱۶، ۲۰۱۳۶۲، ۱۲، ۱۶ بهار ۲۰۰۰ ریال

به نام "مستضعفان"

به کام "مستکبران"

اگر به سخنانی که یکریز در "صدای سیاسی" چهارمین فصل اسلامی می‌گویند و یا در روزنامه‌های مجازی توییسنده باور کنیم، در بهمن سال ۱۳۵۷ مردم ایران از چمله طبقه "کارگر یک تن بهای خاستند تا اسلام" را بر سر توشت خود حاکم ساختند! اکنون دهسال از انقلاب بهمن می‌گذرد و در این مدت "اسلام فقاهتی" توانسته است با توصل به خلقان و آدمکشی به هر صورت "حاکمیت مطلقه" خود گرفته است. در این فاصله زمانی رفسنجانی و همدستانش کوشش فراوانی برای جلب "حمایت" دول امپریالیستی غرب کردند و می‌توان گفت در این امر تا اندازه‌ای نیز موفق بودند. اما، مخالفان این گروه بسر کرد کی موسوی تو انتستند با طرح مسائل زیرین زحمات گروه رفسنجانی را بهدر دهند. سرویس ایرانی این زمانه شکل حادی بخود می‌زنند؟ به نظر ماعت راهنمایی رژیم برای حل آنها مشکلات عظیم و عدم توانایی رژیم برای حل آنها ثانیاً در اختلافهای میان دو گروه عده درون حاکمیت جستجو کرد.

دهسال پس از انقلاب بهمن رژیم دچار بی‌ثباتی است. اقتصاد سیر قهر ای می‌پیماید. رژیم دچار روشکست مالی است و برای تامین هزینه‌های روزانه نیاز به چاپ اسکناس بی‌پیشوانه دارد. می‌گویند میزان نقدینگی در اختیار بازارگانان به ۱۵۰۰ میلیارد ریال بالغ است. چنین پدیده‌ای در تاریخ معاصر ایران بی‌نظیر بوده است. استقرار این دولت از سیستم پانکی سر به صدھا میلیارد می‌زند. تورم و حشرت است.

میزان تورم ۴۰ تا ۵۰ درصد برآورد می‌شود. رژیم قادر به حل مشکلات روزانه نیست تاچه رسیده تنظیم و تدوین و تصویب بزمادهای درازمدت دهسال پس از انقلاب بهمن ۵۷، هنوز راهی را که پایدار عرصه اجتماعی-اقتصادی پیش گرفته شود روش نیست. جدال بر سر ماهیت نوسازی و بازسازی، در پهنا و رفرا ادامه دارد، بی‌آنکه چشم اندیازی برای سازش میان چنایهای عده رو در روی هم وجود داشته باشد.

کارگران و زحمتکشان ایران پس از دهسال کوش فرادادن به وعده‌های رئیس‌جمهور سران رژیم، اکنون بیش از پیش بی می‌برند که در مبارزه برای تحقق خواسته‌ای عادلانه "خود هنوز راه درازی را دارد پیش دارند و از نظام حاکم که خود را حامی "مستضعفان" و خصم "مستکبران" جلوه می‌دهد، نمی‌توان انتظاری داشت.

کارگران تهران و کرج در این راهپیمایی شعارهای گوشاگون پیش‌بینی نشده‌ای را در دفاع از پیشه در ص ۲

رفیق زارع، در ص ۴

فرزند توده‌های رنج و کار

رژیم میرنده "ولایت فقیه"

محل درآمد ارزی کشور در دو سال اخیر از ۸ تا ۱۰ میلیارد دلار در سال تجاوز نکرده و در آینده نیز امکان افزایش آن وجود ندارد. این رقم حتی برای تقاضه ۵۴ میلیون تن ایرانی و همچنین مواد خام و نیم ساخته مورد نیاز صنایع وابسته کافی نیست. امکان سرمایه‌گذاری در ماشین آلات با تکیه بر منابع داخلی تقریباً سفر است.

چنان‌جای از حاکمیت پیوند نزدیک پاس‌سماهی "انحصاری خارجی را یکانه راه نجات می‌داند. چنان مخالف، این تزریق‌ای مصالح خود می‌داند. دریکسال اخیر مبارزه در این زمینه شکل حادی بخود گرفته است. در این فاصله زمانی رفسنجانی و همدستانش کوشش فراوانی برای جلب "حمایت" دول امپریالیستی غرب کردند و می‌توان گفت در این امر تا اندازه‌ای نیز موفق بودند. اما، مخالفان

این گروه بسر کرد کی موسوی تو انتستند با طرح مسائل زیرین زحمات گروه رفسنجانی را بهدر دهند. سرویس ایرانی این زمانه شکل حادی بخود می‌زنند؟ به نظر ماعت راهنمایی رژیم برای حل آنها مشکلات عظیم و عدم توانایی رژیم برای حل آنها ثانیاً در اختلافهای میان دو گروه عده درون حاکمیت جستجو کرد.

دهسال پس از انقلاب بهمن ریال بالغ است. چنین پدیده‌ای در تاریخ معاصر ایران بی‌نظیر بوده است. استقرار این دولت از سیستم پانکی سر به صدھا میلیارد می‌زند. تورم و حشرت است.

میزان تورم ۴۰ تا ۵۰ درصد برآورد می‌شود. رژیم قادر به حل مشکلات روزانه نیست تاچه رسیده تنظیم و تدوین و تصویب بزمادهای درازمدت دهسال پس از انقلاب بهمن ۵۷، هنوز راهی را که پایدار عرصه اجتماعی-اقتصادی پیش گرفته شود روش نیست. جدال بر سر ماهیت نوسازی و بازسازی، در پهنا و رفرا ادامه دارد، بی‌آنکه چشم اندیازی برای سازش میان چنایهای عده رو در روی هم وجود داشته باشد.

دو موضوع متفاوت از لحاظ شکل، امداداری هدف واحد، دانسته و فهمیده در کشور به مسئله "مرکزی تبلیغات رژیم تبدیل شده است. این دو موضوع عبارتند از؛ مسئله "كتاب ثوابنده" انگلیسی تحت عنوان "آیده‌های شبیه‌انی" و پیام اخیر خمینی خطاب به روحانیون و طلاب حوزه‌ها.

می‌پرسند؛ چرا در شرایط کنونی که حل مشکلات عظیم اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و سیاسی در بر این جامعه قرار دارد، سران رژیم ناگهان این مسائل جنجالی را مطرح کردند و دارند به آنها ممنوعیت زنند؟ به نظر ماعت راهنمایی رژیم برای حل آنها مشکلات عظیم و عدم توانایی رژیم برای حل آنها ثانیاً در اختلافهای میان دو گروه عده درون حاکمیت جستجو کرد.

دهسال پس از انقلاب بهمن ریال بالغ است. اقتصاد سیر قهر ای می‌پیماید. رژیم دچار روشکست مالی است و برای تامین هزینه‌های روزانه نیاز به چاپ اسکناس بی‌پیشوانه دارد. می‌گویند میزان نقدینگی در اختیار بازارگانان به ۱۵۰۰ میلیارد ریال بالغ است. چنین پدیده‌ای در تاریخ معاصر ایران بی‌نظیر بوده است. استقرار این دولت از سیستم پانکی سر به صدھا میلیارد می‌زند. تورم و حشرت است.

میزان تورم ۴۰ تا ۵۰ درصد برآورد می‌شود. رژیم قادر به حل مشکلات روزانه نیست تاچه رسیده تنظیم و تدوین و تصویب بزمادهای درازمدت دهسال پس از انقلاب بهمن ۵۷، هنوز راهی را که پایدار عرصه اجتماعی-اقتصادی پیش گرفته شود روش نیست. جدال بر سر ماهیت نوسازی و بازسازی، در پهنا و رفرا ادامه دارد، بی‌آنکه چشم اندیازی برای سازش میان چنایهای عده رو در روی هم وجود داشته باشد.

همترین مسئله در رابطه با بازارسازی، موضوع سرمایه‌گذاری است. در بهمن ماه سال چاری، رئیس محکمی بر دهان پاوه سران استعمار غرب و شرق و کل بانک مرکزی رژیم طی مصاحبه‌ای اعتبر اف کرد که نسبت سرمایه‌گذاری در ماشین آلات به تولید ناخالص ملی به قیمت جاری در سالهای اخیر روند کمونیست ها خواهد بود". پیشنهاد میان ریالی رژیم جستجو کرد. درآمد از نفت به متابه "یکانه

مارا ه پر افتخار شهیدان نواده‌ای را ادامه خواهیم داد!

آن در زمینه "بیمه شدگان و اراده" هزینه‌های لازم اجر ائمه شود؟

کارگران می‌گفتند که بی‌توجهی در امر اشتغال و بیکاری عمومی که یک دردس اسری است زمینه‌ساز فقر و پریشان حاصل خواهد شده، رشد مفاسد اجتماعی و گسترش مصرف مواد مخدر و اعتیاد می‌شود و خواهان توجه هر چه بیشتر به شبهه "روزهای فراموش" نشدنی پیش از انقلاب بهمن شعار می‌دادند. کارگران طلب می‌کردند که کالاهای اساسی از طریق بن کارگری توزیع شود و وضعیت سکن کارگران مورد رسیدگی جدی قرار گیرد. جالب توجه اینکه کارگران ضمن راهیمایی به خوبی می‌دانستند باعث و باش باز کردند موسات ملی شده پس از انقلاب به صاحبیان پیشین آنها کسی جز راهیمایی؟ در واقع فریاد خشم کارگران متوجه سران رژیم "ولایت فقیه" دستگاه قضایی "اسلامی" قوه "جمهوری" "اسلامی"، قوه "مقتنه" "اسلامی" وشورای نخبگان منتصب "امام امت" نیست، باز کردند مهده "کارگران می‌دانند که "قانون کار اسلامی" پیش از پیکال پیش از تصویب مجلس کلاشنه و با وجود نواضص جدیش به زبان کارگران و دیگر فروشنده‌گان نیروی کار، منور از "صافی" شورای نخبگان که مهده "قوانین را با "میزان اسلامی" می‌ستجد تا میاد ابه منافق "مستکبران" لطمه‌ای بخورد عبور نکرده است. کارگران نهنجین شعار می‌دانند که چرا قانون و پنهان "ولایت فقیه" را زدند.

بسیاری از شعارها داده شد که عمل به آنها ممکن نبود...

اما، خود منتظری هم مانند رفسنجانی و خامنه‌ای و ... مجبور به پشتیبانی از پیام خمینی شدند. منتظری با ارسال نامه‌ای به شخص خمینی به طور عده انتکست روی آن نکاتی گذارد که مورد توجه خود او بود. منتظری یکی از هواداران سرخست "بازاریان" محترم است. به همین سبب آنچه که خمینی پقدصد عوام‌گیری صاحبیان ثروت را انتقاد می‌کند، سکوت را چاپی می‌نماید. اما، وی

به نام "مستضعفان" ***

خواستهای برحق خود سردادند، از جمله مسئله "تعیین تکلیف قانون کار در راس خواستهای متعدد آنان قرار داشت. کارگران به شبهه "روزهای فراموش" نشدنی پیش از انقلاب بهمن شعار می‌دادند، "قانون کار انقلاب تصویب باید گردد".

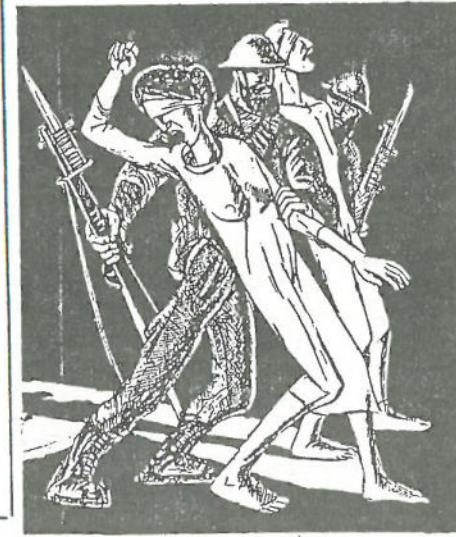
چه کسانی مورد خطاب کارگران بودند؟ سرمایه‌داران و کارگرانیان و یا سازمان دهنگان راهیمایی؟ در واقع فریاد خشم کارگران متوجه سران رژیم "ولایت فقیه" بود که ریش و قیچی رادر "همه" امور بلامعارض در دست خود دارد. همه "کارگران می‌دانند که "قانون کار اسلامی" پیش از پیکال پیش از تصویب مجلس کلاشنه و با وجود نواضص جدیش به زبان کارگران و دیگر فروشنده‌گان نیروی کار، منور از "صافی" شورای نخبگان که مهده "قوانین را با "میزان اسلامی" می‌ستجد تا میاد ابه منافق "مستکبران" لطمه‌ای بخورد عبور نکرده است. کارگران نهنجین شعار می‌دانند که چرا قانون تامین اجتماعی و پوییه بندی‌های الف و ب ماده ۲

اعلامیه کمیته مرکزی *

هشت ساله رها نشده، گرفتار فاجعه" ملی کشتار جمعی زندانیان سیاسی گردیده اند، هشت مارس روز تشید مبارزه علیه رژیم خود کام است.

در سال گذشته که رژیم حاکم هنوز زیر ادامه "جنگ بمظلو توسعه طلبی و "صدران انقلاب" پای می‌فرشد و هر روز دهها و صدها چوان و شوچوان ایرانی را به کام سپری نایدیر جنگ می‌انداخت و خانواده‌ها را به عزیزان می‌نشاند، زنان ایران، همه‌ها بار مردان، مبارزات خود را روی مسئله "قطیع جنگ خانمان برانداز که جز بسود امیریالیس و ارتقای نبود متمرکز ساختند و سرانجام موفق شدند خمینی را به نوشیدن "جام زهر" پذیرفت آتش بس و ادار سازند. بیکمان این بک پیروزی بزرگ برای همه مردم ایران و پوییه مادران و همسران بود که جنگ‌گوشگان و ننان آوارشان قربانی سیاست تجاوزگری رژیم ضدخلقی می‌شدند.

در پیاره "جنگ اندازی‌های رژیم" "ولایت فقیه" بر حقوق انسانی زنان و بندار و گفتار و کردارش در زمینه‌ها، گوناگون مانند "ناقص العقل" شمردن زنان، تشویق تعدد زوجات و ازدواج موقت، سه‌دن حق بیکجا نهاده اند. مادران و بیرون کشیدن فرزندان خردسال از دامان دهسال، فقر و فساد گستردۀ ای که زمینه ساز قروش دخترکان خردسال در ازای مبلغی نایبیزد شده است، و مجذوب پیامدهای شوم برخوردها و دیدگاه‌های سران رژیم نیست به زنان که هم میهانان مخواهد همه روزه شاهد آن در جامعه هستند نیازی به نکار واقعیت‌ها نیست. ای عدالتی‌هایی که در شایط حاکیت رژیم "ولایت فقیه" در خانواده و جامعه بر زن ایران می‌رود، تنها با مقاومت طولانی و هم‌تائی و مبارزه "متشكل بر طرف کردنی است.



هزمان با برقرار شدن آتش بس و بروز نخستین واکنش‌های مردم، کشتار زندانیان سیاسی در زندانیانهای جمهوری اسلامی، نخست بمنظور ایجاد رعب و وحشت در جامعه و بدینسان چلوك‌گیری از انفجار ناراضایتی عمومی از پیامدهای سیاست خانمان‌سوز ادامه "بیهوده" جنگ پس از قفتح خرمشهر و بیرون رانده شدن متجاوز از خاک ایران، آغاز گردید. پس این جنایات ابعاد ناشنوده و تاکیده‌ای پیدا کرد و به فاجعه "ملی قتل عام" زندانیان سیاسی انجامید که طی آن، صدها و صدها زندانی سیاسی، بدون محاکمه و حکم محکومیت و حتی "محاکمه" شده و با حکم چند سال محکومیت



نیز مانند گروه موسوی مخالف سرمایه "انحصاری خارجی است. در اینجا منتظری از موضوع خمینی در "دشمنی با جهان استکبار" پشتیبانی می‌کند. او طرفدار "صدران انقلاب" اسلامی است و لذا روی این موضوع نیز تکیه می‌کند. همه می‌دانند که رفسنجانی نقش مهمی در کشتار هواداران منتظری

خجسته باد هشتم مارس، روز همیستگی رژیم زنان اسراچهان!

زنان ایرانی ابرای کسب آزادی و تامین بر ابری کامل زن و مرد از نظر حقوق اجتماعی و انسانی، بهایزید و همه و همای مردان برزمید!

پسکار هشتم مارس روز همیستگی رژیم زنان سراسر جهان واقعیت برای حقوقی زن و مردم در کشورهای سویاً لیستی الهام بخش شمادر این پیکار پر فراز و نشیب باشد!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دهم اسفند ۱۳۶۷

بخشی از بیک کزارش

خفته است شهر بزرگ

از میان نفس‌های خفتگان
با تیک‌تیک آویزهایشان بالا می‌روند.

هنوز خفته است شهر بزرگ
در آغوش البرز،
که مودن سحر را
(دلیل از ثواب خویش)
رگبار کالوله‌ها بیدار می‌کند.

خفته است شهر بزرگ
هنگامیکه دست جنایت
در تپه‌های زندان‌ها بیداد می‌کند.

خفته است شهر بزرگ
هنگامیکه رویای خفتگان
راهی فردا را دیدار می‌کند

ب بشارت
آذرماه ۶۷

چنان‌های پیر
میزبان همه‌ی پرندگان
تصویر آسمان بر سینه دمادند.

سرد چشم‌های زلال
از سینه توجال و چین‌کلاع و سنگ‌سیاه
از شکاف‌های دریند و درکه
همچنان جاری است.

در خنکای سپیده
بر سنتکریش خیابان
گزمه‌ای خسته
ریگی را به باد چکمه می‌گیرد،
و گدایی خفته بر روزنامه‌ها
پاها را به سینه می‌کشد.

ساعت‌ها نردهان زمان را

دروع بر زندانیان سیاسی

ورزمندگان راه آزادی طبقه کارگر

اطلاعیه

در این اواخر، در پریتائیا، افرادی نشریاتی را بنام "انتشارات سازمان حزب توده" ایران در پریتائیا" و با سو استفاده از آرم حزب مفترض می‌کنند. بدینوسیله، شبهه "تبليغات و نشریات حزب توده" ایران اعلام می‌دارد که حزب ماه پنجم‌یک بنام "انتشارات سازمان حزب توده" ایران در پریتائیا" ندارد. در عین حال، خاطرنشان می‌سازیم کار انتشاره‌مند کان نشریات یاد شده که از نام جعلی "سازمان حزب توده" ایران در پریتائیا" نیز استفاده کرده‌اند قطع نظر از اهداف و اغصی مجزایش، می‌تواند هواداران حزب در پریتائیا را که بعنوان مهاجرین سیاسی در آن کشور زندگی و کار می‌کنند، با دشواریهای چدی و گوناگونی روپردازی کنند.

شعبه تبلیغات و انتشارات حزب توده
ایران
اسفند ماه ۱۳۶۷

به خانه برمی‌گردم، با دستانی خالی از اعلامیه و چشمانی سرش از امید. با ورود من موج شادی به خانه برمی‌گردد. لحظه‌ای می‌نشینم... کاش می‌شدم دوباره برای پخش (اعلامیه) به خیابان رفت. با مردم بودن و بخاطر آنان مبارزه کردن چه شیرین است. بچه‌ها امان نمی‌دهند و بر سر و کولم می‌پرند...

به بستر رفته‌ام. چراغ‌ها خاموشند. درخت چنار به پائیز تن سپرده... در انتظار بارانیم تا ببارد و غم دل را بشوید. راستی کی دست هم را خواهیم گرفت و این بی‌خردانی را که با غم شاداب زندگی ما را دچار خزان کردن از سر راه برخواهیم داشت؟ بهار را کی برمی‌گردانیم؟

بهار را کی برمی‌گردانیم؟

"خبر کشtar هر زمانیان در زندان‌ها تکانده‌هند بود. هر چا رفت از جنایت‌های رئیم می‌گفتند. فریاد همه بلند بود. جوانی را کشته بودند، مبارزی را، عزیزی را... یک زندانی قرار بوده س روز دیگر آزاد شود. تلفنی با وفاخت به پدرش خبر داده بودند که اعدامش کرده‌اند. سپس یک ساکن جاوی لباس‌های کهنه و وسائل در روزهای بعد، گواه درستی خبر بوده است. به خانواده‌ها شدیداً تذکر داده بودند که از اجرای مراسم سوگواری و وقت و آمد در خانه‌ها خودداری کنند، و گرنه کارشان به زندان و شکنجه خواهد کشید.

خبر هولناک بود. آرامش ظاهری درهم ریخت. تنجیج‌های روانی افراد خانواده‌ها، داروهای مسکن و "آرام" کننده".

یک زندانی سیاسی را که به ۱۵ سال محکوم شده بوده و نزدیک به هفت سال از آن را گذرانده بود، اعدام کرده بودند. دُرخیمان به منزلش رفته و سر سفره شام خبر اعدامش را به همسرش داده بودند. زن و فرزندی که با فلاکت تمام به امید آزادی عزیزانش گذران می‌کرده‌اند، دچار بهت زدگی شده بوده‌اند. با منوع شدن مراسم سوگواری چه باید می‌کردند؟ نه کسی که سر بر دامنش بگذارند و اشک بیافشانند و نه کوی که خاکش را بسر بریزند.

زندانی سیاسی دیگری را که به "ابد" محکوم شده بود به دار آویختند. یادگار او چند تکه لباس مندرس با آثار شکنجه‌های قبل از مرگ، خانواده‌وی به سکوت تن نداده و در کمتر از یک روز همه فاپیل و دوست و آشنا را با خبر کرده بوده است. تهدید دُرخیمان کاری از پیش نبود. بلندگوها که پر بام‌ها نصب شده بود و چراغ‌های زنپوری راهنمای دولستان و آشنايان. در مسیر پلکان آپارتمان دسته دسته گل سرخ، آپارتمان همسایه‌هارا هم برای پذیرائی آماده کرده بودند. مادر شهید لباس سفید پوشیده بود و با خوشبوی از کسانی که پرای تسلی خاطرشن می‌آمدند پذیرائی می‌کرد. سخنران در مقابل چنین اعمال

داشت. این بار قائم مقام "امام امت" برای انتقام کشی آنها بیایی را که "پدریج افراد انقلابی رنج کشیده و قادر به انقلاب" را "با برخورد های ناصحیح و نارو و... برجسب و انتکهای گوشگون از صحنه خارج" کردند، محکوم می‌کند. کوتاه سخن، رفسنجانی و پاراش قطعنامه ۵۹۸ دست به کوشش فراوانی برای رنگ و روغن- کاری رزیم رزیم رزیم تا شاید چذابه‌ی برای رزیم خود کامه "مذهبی خود در بر این اتفاق عمومی جهان دست و پها کنند. اما، ماهیت هیچ رزیم ضد خلقی را نمی‌توان با پرخی رنگ و روغن کاریها و تغییرات محدود شکلی دگرگون ساخت. خیینی پاسدوز فرمان قتل رشید و پیام اخیر خود پاره‌یک عربیان در مقابل چهانیان و مردم ایران ظهور کرد و به اهیات رساند، رزیمی که اصل "ولایت فقیه" زیر بنایش پاشد قابل بقا" نیست.



رفیق زارع، فرزند توده‌های رنج و کار

آشنای خود بخاطر روش نکهداشتن آتش حضور و مبارزه "حزب در جامعه بود. او با ستاره "فروزان امید و ایمانی که درین داشت در دشوارترین شرایط نیز با شوری توصیف ناپذیر در راه احیای سازمانهای ضربه خورد "حزب به سازماندهی می‌پرداخت. شرکت فعال اور ریاضی کذاری دوگروه حزبی "آرش (در دده) و "گروه رهو" (در دده) پنجاه نمونه‌های بیاد ماندی تلاش پرپار

یکی از "آلله"‌های سخ حزب ماکه در جریان فاجعه ملی کشتار هفتگانی زندانیان سیاسی دادن خونپکان رژیم ساقه وجودش راقطع کرد، رفیق عزت الله زارع کاشانی، عضو کمیته "مرکزی" حزب توده ایران بود. زارع، این زمانگر خطه "مشق به حزب و مردم، در خون پاک خود تهدید چرا که به اعتراض بازجویی از زمرة سرخستانی بود که اصل حاضر نشداد زخیمان رژیم کنار پیاید.

رفیق عزت الله زارع، برخاسته ای از میان توده‌های رنج و کار بود که در سالهای دراز و پرپار زندگی اتفاقاً خود، پتوکه ای خستگی نایاب در راه آگاه‌سازی و سازماندهی "زمختکشان" علیه امیرالیسم و ارتقای رزمند. زارع میهن دوست و انترنسیونالیستی پیگیر، شجاع و پرسور و انسانی وارسته، فروتن و مردمدار بود. بی‌ربایی و بیکرنگی او، شادابی و سرزندگی وصفاً و صمیمت او، شوخ طبعی و زبان ساده و دلنشیں و آکنده از طنز و مطبایه "او، خوشنودی و تواثیابی درک اطرافیان و پیاری آشنا شناختن درگاه نیاز، عشق و علاقه" او به حزب و مردم و از خود کلشتنی اش در راه خدمت به آنها، از زارع در بین همه "دوستان و رفقا و اشناپاش" چهره ای نموده و شایسته "اعتماد آفریده بود.

* * *

رفیق عزت الله زارع در سال ۱۳۰۷ در تهران چشم به جهان گشود. کودکی و نوجوانی رادر اش ایط دشوار زندگی آمیخته با فقر در جامعه "طبقاتی سیری کرد و همانند بسیاری از جوانان محروم میهن ما برای باصطلاح "تامین آینده" مطمئن برای خود و خانواده" و خدمت به میهن وارد ارتش شاهنشاهی شد. دیدن رفتار توهین‌آمیز و خوارکننده "فرماندهان ارتش در زیر سایه" سنتیگن اطاعت کورکورانه، این درجه‌دار را که روحی آزاده و دادخواه داشت، رفته رفته به نیازگاری، پرخاشگری و سرانجام به مخالفت آگاهانه با فرماندهان و رژیم کشاند و دیری نهایتی که بازداشت و در دادگاه نظامی محکوم به یک سال زندان شد.

پس از تحمل دوره "محکومیت" که با گینه‌ای سوزان نسبت به رژیم، آزادی خود را باز یافت، زارع دیگر بدنبال سلاح و سترکی برای پیکار می‌گشت. این دوره "زندگی زارع مصادف با نخستین سالهای پنیانگلداری و فعالیت گستردۀ و علمی حزب توده" ایران در جامعه بود. زارع پس از آشناپی با آماجها و آرمانهای والا و انسانی حزب توده ایران، در حالیکه هنوز بیست سال نداشت، به صفوی آن پیوست.

زارع تا سال ۱۳۲۲ بعنوان یکی از اعضای فعال حزب به فعالیت پرداخت. پس از کودتای ۲۸ مرداد ناگزیر از در پیش گرفتن زندگی مخفی شد و امن ترین مخفیگاه شود را پرگزید: زیستن در بین سازمانهای حزب در ایران در این دهه‌جای ویژه‌ای را اشغال می‌کند. این گروه پس از چندی فعالیت، زیر ضربه "ساواک" قرار گرفت و زارع به همراه چمی از همزماش بازداشت و راهی شکنجه‌گاههای رژیم شاه شد. زارع دوران بارز جویی را علیرغم شکنجه‌های سیار پایداری از رسک در دادگاه باسی و افرادش از خود به دفاع پرخاست و به یک سال و نیم زندان محکوم شد.

پس از آزادی، این پاره‌باشه ای پرپارتر از تجریبه و شناخت، آستینهای را برای ادامه "کار بالا زد. سرانجام تلاش‌های او و همزماش در شرایط

دلارفشاری اعلیحضرت

زمی افتخار و زمی افتخار!
که نظمی معمم شده برقرار!
جهان میسراید سروی رزین
که فردوس گردیده ایران زمین
ز فرهنگ و بهداشت دیگر مکو
تو اصلاً مریضی در ایران مجو
و گر بیسادی در ایران بود
یعنی دان ز نسل دلیران بود
نیامد از این در بکف پول نفت
از آن در بحکم شهنشاه رفت
چرا غرب باید شود و رشکت
عمو سام قلندر شود زیر دست
بهام کروپ را خردیدم بش
عزیز است هر جای بقوم و خویش
مبادا بسربیانیای کبیر
زاسب بزرگی در افتاد بزیر
وقا راه و رسم نیاکان ماست
کمک بر بسربیانیای زات ملت
که آنها بمسا نیز یاری کنند
خر مرده را اسب گاری کنند
الا ای بزرگان دنیای غرب
در ایران بود لعنه نفت چرب
اگر خوکهانان کمی لاغرند
پهل در ملت زار ما می چرند
چو کنرسیو هست از دوستان
ز سعدی شور پندی از بستان
تو کن محنت دیگران بی غم
نشاید که نامت نهند آدم

این چلوکبابی پیاز فردا

اعلان یک دکان چلوکبابی

گرانی پیاز

تازگیها گشته‌ای "خان" ای بیاز!
مسر اشراف و اعیان! ای بیاز!
با توانگری بار و همیر گشته‌ای
می‌گریزی از قیران" ای بیاز!
دیزی آبکوشت را دادی طلق
طلایی بر گلک بریان" ای بیاز!
در هوای وصل تو با اشکنه
زیر یا کردیم تهران" ای بیاز!
در فراوانی تو بودی بی نظیر
کاه بودی قاتق نات" ای بیاز!
کشت سبزیکار را زینت بدی
پس چه شد آن روزگاران" ای بیاز!
ثیبت گبری نمودی از وطن
آمدی از هند و افغان" ای بیاز!
بول کود تو بنوان "کمک"
هده شد بر انگلستان" ای بیاز!
گر تهدن این بود دروازه اش
نک بر دروازه بستان" ای بیاز!

دوشوار و بغرنج پیکار با آندیشه‌های مائویستی و مبارزه "چریکی جدا از توده‌های در اوایل دده" پنجاه بدش نشست و گروه حزبی "رهرو" شکل گرفت. این گروه علیرغم ضربه ای که در سال ۱۳۵۴ در نتیجه "پوش ساواک خورد" توانست فعالیت خود را ادامه دهد. "رهرو" با پیکر حزب بهمن و آغاز فعالیت علیه حزب به پیکر حزب چوش خورد.

زارع پس از انقلاب، هنگامی که دیگر محبوس خویش را باز یافته بود، در کسوت کادر حزبی در شعبه "تشکیلات دبیرخانه" شروع به فعالیت کرد. او هر چه در توان داشت بی دریغ و قد اکارانه مایه می‌گذاشت.

در سال ۱۳۶۰ در جریان پرکاری هقدمه‌ین پلنوم کمیته "مرکزی" حزب توده ایران زارع، عضو مشاور

"گروه آرش" یکی از نخستین گروههای فعال توده ای بود که در اواسط سالهای چهل در بی ضربه ساواک به "تشکیلات تهران"، شکل گرفت و از این نظر در چارچوب کوشش توده ایها در راه احیای سازمانهای حزب در ایران در این دهه‌جای ویژه ای را اشغال می‌کند. این گروه پس از چندی فعالیت، زیر ضربه "ساواک" قرار گرفت و زارع به همراه چمی از همزماش بازداشت و راهی شکنجه‌گاههای رژیم شاه شد. زارع دوران بارز جویی را علیرغم شکنجه‌های سیار پایداری از رسک در دادگاه باسی و افرادش از خود به دفاع پرخاست و به یک سال و نیم زندان محکوم شد.

پس از آزادی، این پاره‌باشه ای پرپارتر از تجریبه و شناخت، آستینهای را برای ادامه "کار بالا زد. سرانجام تلاش‌های او و همزماش در شرایط

یکی از برجسته‌ترین خصوصیات زارع، در تلاش خستگی نایاب‌پریش برای پیوست دادن حلقة‌های گستته "مناسبات توده ایهای مومن و بر سر پیمان

مشورت کردن با زنان پرهیز داده شده. اگر زن برای مشورت در امور حکومتی صلاحیت نداشته باشد، بطريق اولی شایستگی و اگذاشت مسئولیت حکومت و قضاوت به وی که به فکر و تدبیر قوی نیازمند است را ندارد... دستور به حجاب زن و تاکید بر بازداشتن آنان از بیرون رفتن از منزل و تماس با دیگران در داخل منزل دلیل دیگری است بر اینکه نمی‌توان به آنان اموری که لازمه آن تماس با مردان و ارتباط زیاد با جامعه است را واگذار نمود... واگذاری ولایت و حکومت به زنان بها دادن به آنان بیش از حد ظرفیت و توانایی جسمی و روحی آنان است...

مردم مسلمان پاکستان چند ماه پس از انتشار این منشور "عدم شایستگی زنان" آراء خود را به سود بانوی نظیر پوتو به صندوق‌های رای ریختند و او را به نخست وزیری "جمهوری اسلامی پاکستان" برگزیدند!

خامنه‌ای رئیس جمهور هم گرچه در مصاحبه با "زن روز" مجبور می‌شود اعتراف کند "ما دوران طولانی را گذراندیم که در آن نه زنان نقش خودشان را شناختند و نه مردها به نقش آنان پی برند"، بیدرنگ وجود تبعیض‌های اجتماعی نسبت به زنان را ناشی از شرایط حاکم بر کشور و انسود می‌کند و در توجیه علت عدم واگذاری مشاغل مهم به زنان مدعی می‌شود که: "برای این کار پذیرش اجتماعی نداریم. شما فکر کنید که اگر یک زن را به عنوان وزیر انتخاب کنیم... از چمله متعصب‌ترین کسانی که در جامعه مخالفت خواهند کرد زنان خواهند بود...". وقتی در ایران "اسلامی" زنان را به گناه "بدچایی" تازیانه می‌زنند و دیده شدن تار موی زن را بیشترانه فحشا می‌نمایند بعید نیست که برخی زنان مسخ شده نیز همیای مردان و اپسکرا و ناتاکاه "حزب الله" با حقوق برابر زن و مرد مخالف باشند. اما در واقع این حکام و اپسکرای ایران هستند که از زبان خامنه‌ای عقیده باطنی خود را بیان می‌کنند و در پایان مصاحبه با "زن روز" می‌گویند: "اینکه یک خانم مهندس ساختمان شود من لازم نمی‌دانم... چون... ترکیب جسمی زن با ترکیب جسمی مرد تفاوت مهمی دارد... در مرحله کارهای اجرایی که می‌رسد، کارها فرق می‌کند" و نصیحت رئیس جمهور به خبرنگار "زن روز" اینست که: "شما هم به عنوان کسانی که می‌خواهید از حقوق زن دفاع کنید، هدفتان را روی این نگذارید که زنها وزیر شوند".

خامنه‌ی رفسنجانی در نشست نهایی کنگره در پاسخ به پرسش یکی از زنان در زمینه تصدی پست‌های کلیدی می‌گوید:

"تصدی هیچ مقام و پست و سمتی توسط خواهران منوع نیست و منع شرعی ندارد. خابمان‌ها می‌توانند وزیر، استاندار، وکیل، مدیر کارخانه، مشاور وزیر، رئیس دانشگاه و... باشند. اما هنگامیکه همزمان با این تعارفات، زنان روزبزور محدودتر می‌شوند و به گفته بانو رجائی نایینده مجلس "کم رنگ شدن حضور زنان این‌جهه در ص...

دوصد گفته چونیم کردار نیست

سال میزان حقوق زنان در "اسلام" را بسته به شرایط روز اندکی بالا می‌برد. او در مصاحبه ۲۱ فروردین ۱۶ با "جمهوری اسلامی" زمانیکه تحمل حجاب من درآورده و خانه‌نشین کردن زنان در دستور روز روحا نیون قرار داشت گفته بود: "حضرت زهرا کلماتی دارند که مضمون آن اینست که زنها بتوانند برنامه را طوری تنظیم کنند که حتی الامکان آمیزش و اختلاط با مردهای نامحرم نداشته باشند، یعنی اگر در خانه کار کنند ترجیح دارند...".

ولی در سال ۱۳۶۷، که نتایج زیانبار سیاست غلط گردانندگان جمهوری اسلامی در مورد خانه‌نشین کردن زنان دیگر آشکار شده است، رفسنجانی هم رنگ عرض می‌کند و شیادانه می‌گوید: "برای اشتغال خانم‌ها بیچ منع شرعی وجود ندارد. چامعه اسلامی ما باید از نیروی خود که بخشی از آن را خانم‌ها تشکیل می‌دهند بطور وسیع و مطلوب بهره‌برداری کند و خانم‌ها با یادهای فعال و وسیع در اجتماع واداره امور چامعه داشته باشند... متنها باید حضور آنها مقید، با برنامه و خالی از بند و باری باشد" اظهاراً نکته گری در همین واپسین جمله نهفته است. زنان باید در خانه منتظر بمانند تا "حوزه علمیه" شیوه استفاده از آنان در چامعه را برname ریزی کنند

نکته مهمتر اینکه این عقیده شخصی رفسنجانی است و دیگر گردانندگان رژیم وقتی در یاره زنان سخن می‌گویند چه بسا همان سازه‌زار و چند صد سال پیش را می‌زنند.

مثلاً آقای منتظری که مقام مذهبی اش بسیار بالاتر از رفسنجانی است در نوشته خود "میانی فقهی حکومت اسلامی" هنگام تفسیر یکی از روایات چنین می‌نویسد: "در این روایت از

مدت زندان خود را تهاتکامی که در آستانه اعدام قرار گرفت در سلول انفرادی گذراند. اور اثر شکنجه‌های واردۀ از درد شدید معده و کلیه رنچ می‌برد. یکبار که زارع از درد کلید سخت بخود می‌پیچید و زندانیان حاضر نبودند برای این چهاره مورد احترام زندانیان سیاسی دکتر دارو و پیاووش، مبنده‌اش دست به اعتراض غذازدند و دزخیمان را ناکریز ساختند او را به دکتر پرسانند.

سرانجام زارع پس از گذشت نزدیک به شش سال بازدشت غیر قانونی و شکنجه در پر ابر گزینش مرگ آگاهانه یا زندگی خفت بار قرار گرفت و بی‌درنگی در گزینش و رکه‌ای تردید در صدا با زندگی و داع گفت. بدینسان رفیق عزت الله زارع با زندگی و مرگ خود، راز خوب زیستن و خوب مردن را به همراه مانش آموخت. دشمن تنها جسم زارع را ناپابود کرد.

"امام‌بارزی که نایاب شد
به نهایی نمی‌چنگید
و دشمن هنوز
پیروز نشده است"

(بر تولت پرست)

چند سالی است که هم‌مان با زادروز سومین و کوچکترین دختر پیامبر اسلام، یک گردنه‌ای بنام "کنگره بین‌المللی زن و انقلاب چهانی اسلام" با دعوت میهمانان بسیاری از کشورهای مختلف در تهران برگزار می‌شود. امسال تعداد مدعین از داخل و خارج بقدرتی زیاد بود که کنگره در پک استادیوم ورزشی کار خود را آغاز گردید! گرچه ورزشگاه جای مناسبی برای مباحثات "علمی" نیست ولی تو گوشی چون روحانیت حاکم پس ازیشه کن کردن محرومیت و گرسنگی از سرزمین از میادین ما و باساد کردن همه شهر وندان و ساختن خانه برای همه بیخانمانها و تامین رفاه زحمتکشان شهر و روستا و پرداخت حقوق آدم رهایان و مددواران در لبنان و دیگر کشورها و تعیین یک میلیون دلار چاپرۀ ترور، برای گانگسترها بین‌المللی، دیگر مسئله‌ای ندارد، خود را موظف می‌بیند برای هزینه کردن پول‌های "زیادی" بیت‌المال فمه‌ساله ذر فرستادهای گوناگون گروه هرچه بزرگتری را برای شرکت در کنگره‌ها، سینماها و سینماهای بی‌محظوظ به کشور دعوت کند.

معولاً آنچه که در این نشست‌ها بر زبان سخنگویان جاری می‌شود، همان چیزی است که در سال گذشته و سال‌های گذشته وده ها سال پیش از آن گفته‌های هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس، چه مثلاً گفته‌های روزنامه "جمهوری اسلامی" در سال ۱۳۶۱، وچه در سخنرانی‌های او در نشست‌های پایانی این کنگره در سال گذشته و صدیاره تکرار کرده اند. گونه‌ای ملال انتگری تکراری است و در همه آنها تلاش مذبوحانه برای توجیه بی‌حقوقی زن در رژیم "ولایت فقیه" پیش می‌خورد.

با این وجود، چون رفسنجانی هم مانند دیگر روحانیون حاکم نان را به نزد روز می‌خورد، هر

کمینه" مرکزی، برگزیده در پلنوم شانزدهم، بیان پیش از سده دهه "فعالیت پیگیر و پرسور حزبی بعنوان عضو اصلی کمینه" مرکزی حزب برگزیده شد. در چریان نخستین یورش گسترشده رژیم به حزب مار زارع تیز در ۱۷ بهمن ۱۴۰۱ بازداشت و راهی شنجه‌گاهها و سیاهچالهای رژیم کرد. او زیر وحشیانه ترین شکنجه‌های جسمی و روحی قرار گرفت. دزخیمان ماهها و ماهها چز با زبان داغ و درفش با او سخن نمی‌گفتند. ولی زارع پایمردانه ایستادگی کرد و دیگران را نیز به پایداری فرا خواند. روحیه "قهرمانانه" او برای مهندس اشن به سمش و شموه تبدیل شد. هیچکس شنی تو ایستاده این میدید. به پیروزی نهایی خلق و حزب و شاد ایهی زایدیه "این امیدر ازاویگیرید. توده ای سپیدمودی در سخت ترین روزهای شکنجه‌های رژیم در حالیکه نگاهش گویی به سیاحت خطه" زیبایی در دور دستها رفته است، به رفقاء چو اینتر خود با استواری می‌گفت: "این روزها با همه سختی اش می‌گذرد و فرد ادوبه حزب ما در جامعه جای شایسته" خود را پیدا می‌کند".

زارع از آنجاکه نقش پسیچ گردی در اعتراضات و اعتراضات زندانیان سیاسی ایقا می‌نمود، بیشتر

شبه ناک تلقی شد و مردم به افزایش تروتهای کلان یک طبقه چشم دوختند و با مقایسه "فاصله" فاحش چند هزار برابری در آمد خودشان و سرمایه دارانی که چه بسا اصل مالشان نامشروع می باشد روز بروز مایوس تر و سخورد هست شدن و مصوبه "بدون ضمانت اجر ایشی مجلس چاقوی بی دسته ای شد که بجای قطع دست یغماکران بیت المال دست ناجیان و حافظان بیت المال را برید. چرا که آنان هر روزه در این چندسال در حالی که منتظر شرقه داغ شدن سرمایه داران و ثروت اندازان بودند خود کباب شدند و در حالی که ۱۰ سال از پیش روزی انتقالب می گزرد همواره شاهد رفع توقيف از اموال کسانی هستیم که با پیروزی انقلاب به خارج فرار کرده بودند...". ("اطلاعات" ۱۱ آبان ۶۷). البته آقای شرع پسند آن بخش از سرمایه داران "سون و متین" را که زیر سایه "ولی قبیه" و پیروانش به ارقام نجومی ثروت دست یافته اند فراموش کرده و نامی از آنان نبرده است.

فریدون سلیمانی، نماینده میاندوآب با اشاره به وضع اسباب ادارات دولتی می گوید؛ "تاسفانه هستند در ادارات کسانی که درجهت تضعیف حرکت می کنند، به گونه ای که روز و روز مردان و کسانی که دستشان به چاشی بند است و با کسانی سر و سری دارند به راحتی صاحب همه چیز می شوند و رشد می کنند. حتی بلندگوها به حمایتشان به صدا در می آید. ولی حق محرومین... نه تنها داده نمی شود، بلکه نیش هم می خورند و تلافی بار است که کسی به حساب متخلفین نمی رسد" ("اطلاعات" ۲۸ آذر ۶۶).

فرج الله افر ازیده، نماینده "نوشهر": "ثروت مملکت در دست ده درصد از افراد جامعه و ثروتمندان است و آیا ساز او است که ما ۹۰ درصد افراد جامعه را قادر آنها کنیم؟" ("کیهان" ۲۲ آبان ۶۷).

اینها که آورده شد مشت کوچک شونه خوار است. حال برای آن که "مستضعفان جهان" بیشتر به ماعیت الکوی مورد صحبت رئیس جمهوری اسلامی بی ببرند خن کوتاهی از سید محمدحسن اصغری نماینده "تهران را نیز به مختار بقیه" نمایندگان می افزاییم. وی با اشاره به کمرنگ شدن و محبو شعارهای اصیل و اساسی انقلاب می گوید؛ "روح مبارزه و ایثار و ایتکار می میرد و روحیه رفاه و سودجویی اوج می کبرد و شواره های امید مستضعفان جهان خاموش می شود و هیولای سرمایه داری آمریکائی باز هم دوباره جان می گیرد. بهوش باشیم تا فرصتها را با این برنامگی و سردرگمی و نشاختن هدف و چنگ و جداهای فردی و گروهی و سیاست بازیهای غرب مدار آنها از دست ندهیم". البته آقای اصغری زمانی به فکر از دست نداد فرضناه افتاده که بقول شادر طاهری، نماینده "مراغه"، "مردم دیگر از شعارها و افخاخه شده و به آن می اعتنا کشته اند" ("کیهان" ۹ آذر ۶۷).

ای آقای خامنه ای، رئیس جمهوری اسلامی، پاسخی برای این واقعیات دارد و می تواند خلاف آنها را اثبات کند؟ بی تردید نه. این شیفتگان راهپیمایی و تظاهرات که خود می دانند که برای برپایی آن و جلب پنهانی از مردم به شرکت در آن چه زجری می کشند و چه دشواریهایی را بر خود هموار می کنند و چه پولهایی که از کیسه "مردم خرج می کنند به کیکهایی می مانند که سر در بر فر می کنند تا واقعیتها را نبینند. اما آیا این شیوه های کتمان حقایق کارکر خواهد افتاد؟ پاسخ این است؛ اگر محمد رضا شاه توانت از این شیوه ها طرفی بینند، جانشینان او هم خواهند توانت.

مدتی است که شکم من کامل سیر شده است

حال آنان شبیه کسانی است که روزگاری دم از محرومان می زده اند، اما همین که خود به نان و نوایی رسیده اند همه چیز را به فراموشی سهده اند.

بعقول نویسنده "مطلوب طنز آمیزی" :

"مدتی است که شکم من کاملا سیر شده است. دیگر نمی توانم براستی از شکمها گرسنه بیاد کنم ... دیگر بنظرم نمی رسد که با سیر شدن کامل شکم حتی لحظه ای بیاد بچه های کوچکی بیفتم که بعلت فقر غذایی دچار گرسنگی مژمن هستند. آنها باید گرسنگی بزرگ می شوند، کو اینکه اصله بزرگ نمی شوند، بلکه سن آنها بالا می رود تا به لحظه مردن خود نزدیک شوند. نمی داشم حالا که سیر هستم چرا از آن پیر زن فروتنی که کنار خیابان بسطا پهنه های بود بد می رسد. در صورتیکه قدمها چقدر سنگ او را به سینه می زدم و دلم برای امثال او می سوت. آنقدر می سوت که شاید کناری می ایستادم و قظرهای اشک خود را پنهان به خاک می ریختم ... (اینها دیگر) ذره ای رحم در دلم ایجاد نمی کنند. به برق رنگ سرمه ای ماشینم تکاه می کنم، این رنگ خارجی که روی آن خورده است، مثل آشنه شفاف و با شکوه است. عکس من در آن پیدا است....".

حال برای آن که در برخی زمینه های این حکومت "الکوی مستضعفان جهان" بیشتر آشنا شویم به سخنان قبل از دستور برخی از نمایندگان مجلس که گاهی به اختصار در روزنامه های مجاز انتکاش می یابد تاکمی می اند ازیم:

"نماینده نیریز و اصطهبان در ادامه نطق خود به عمل مدیر یکی از کارخانه هایی که مهربه دخترش را ۶۶ سکه "بهار آزادی به اندازه" آیات کلام الله مجید قرار می دهد، در حالی که عده ای بپیاره و مستضعف حقیقتی برای تامین زندگی روزمره "خود دچار مضيقه و مشکلات هستند اشاره کرد و گفت: او همان مدیر کارخانه ای است که ۱۵۰ تن آرد اختلاس می کند و در بازار آزاد می فروشد و وقتی که به چرم دزدی شان مردم دستگیرش می کنند تلفن می زنند که ایشان مزدی متین هستند، آزادش کنید" ("رسالت" ۱۶ آبان ۶۷).

صالح آبادی، نماینده "مشهد":

"کل تجارت برنج در سال حدود چهل میلیارد تومان است که حدود و هزار تاجر در آن مشغول هستند و اکثر برای هر تومان دو ریال سود ببرند در حدود هشت بیلیارد تومان در سال به جیب می زنند. آیا حقوق کارگران کل کشور ایران به اندازه هشت میلیارد تومان هست یا نیست؟" ("کیهان" ۲۶ مهر ۶۷).

عیسی ولایی، نماینده "تهران" از شورای عالی قضایی و ریاست دیوان عالی کشور خواست تا از اجر ای حکمی مبنی بر تحریب سیزده منزل در خاک سفید که در سال ۵۷ آن را بنا شده اند و ۶۰ ضربه شلاق به هر نفر از صاحبیان منازل جلوگیری کنند" ("کیهان" ۲ آبان ۶۷).

عبدالمجید شرع پسند، نماینده "کرج" با اشاره به قانون نحوه "اجرا اصل قانون اساسی" که به موجب آن باید تروتهای غصب شده به مردم برگردانده می شد" در سال ۶۲ و عدم اجرای آن به دلایل گوناگون، از جمله کارشناسی های شورای تکه هایی، می گوید؛ به این ترتیب، قانونی که می توانت به شووه "خود در صورت اجر انشق تعبیین کننده در توزیع و تعديل تروتهای انبیانه شده داشته باشد، با همه وجهات قانونی اش سست شد.

روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن، در دهیمن سالگرد پیروزی انقلاب، راهپیمایی ها و اجتماعاتی در تهران و شهرستانهای پیش از این دهیمن دهی راهپیمایی ها و تظاهرات به شیوه "همیشگی بود؛ کارمندان، کارگران، دانش آموزان در منکنه "شار قرار گرفتند و تهدید شدند که حتما باید در راهپیمایی شرکت کنند، و گرنه ممکن است برایشان اسیاب زیست شود، کارشان را از دست پدهند، بر جسب مخالفت با "امام امت" بخورند و یا حداقل نمره "اضبطاشان صفر شود. دست اندکاران نهادهایی چون سیاه، بسیج و غیره نیز تکلیفشان روش بود. نه تنها خود باید شرکت می کردند بلکه دست زن و پیغمراهیان را هم می گرفتند و روانه "تظاهرات" می شدند. از اینها گذشته، بسیاری از خانواده های شهدای جنگ تحمیلی "هم چاره ای چز شرکت در راهپیمایی نداشتند. و نیز ص. ها سرویس دولتی و غیر دولتی به شهرهای کوچک، بخش ها و دهات اطراف کسیل شدند و گروهی از مردم محروم را با تردد های گوناگون به جمع سیاهی لشکرها افزودند. این شیوه هایی است که حاکمیت کنونی از رژیم شاه آموخته است. شاه هم در شرایطی که روز بروز خود را در وضع متزل لتری می دید با ترتیب داد این گونه نمایشها می کشید واقعیت را وارونه جلوه دهد و برای خود کسب اعتبار کرد. در حالیکه اغلب همان کسانی که اجبار ایه راهپیمایی می آمدند در دل و یا زیر زبان هر چه دشمنی را نثار او و اریانش می کردند.

خامنه ای، رئیس جمهوری اسلامی هم مطابق معمول محو "موج جمعیت" شد و ریا کارانه گفت؛ "حضور مردم ... نشان دهنده اعتقاد و اعتماد مردم نسبت به انقلاب اسلامی است". وی که در "میدان آزادی" سخن می گفت با پیشری مدعی شد که گویا ملت ایران "روز پیروزی مستضعفان بر مستکبران" را جشن گرفته است. وی افزود، انقلاب اسلامی "به صورت الکوی برای مستضعفان جهان" در آمده است. منظور از این یک تند به قاضی رفتن ها چیست؟ آیا چر مردم فریبی می توان نتیجه "دیگری گرفت؟

رئیس جمهوری اسلامی که خود وهم کسوتانش به مدینه "فاضله" خود دست یافته اند، در بهترین شرایط زندگی می کنند و از بهترین امکانات برخوردار اند، همینقدر که خود را غرق در رفاه می بینند، تصویری کنند که مردم هم به خواسته ایان رسیده اند و چ. ا. بهشتی است که تنه ای اندکار ای مردم ایران، بلکه برای "دیگر مستضعفان جهان" هم "الکو" شده است.

در فعالیت های مختلف، بازگشت تدریجی به حضور نمایشی، تجویز خانه نشینی، پرداختن مجرد به امر حجاب و عدم توجه کافی به روحیه زن و ... خط اصلی حاکم است، هنکامیکه اتوپوس ها را مردانه زنانه می کنند، ورزش زنان را علام منوع و دست آنان را از امور منزه و موسیقی و ... کوتاه می سازند و در رسانه های خود می نویسند که: "زنان از جهت مهیت عقل در رتبه کمتری از مردان قرار دارند" و "هرگز رستگار نخواهد شد قومی که زنی حاکم آنان باشد" کدام زنی است که به این وعده های یا کارانه باور کند؟

کنندگان ارسال داشتند. هاداران سازمان فدائیان خلق ایران در کانادا، "جمعیت دفاع از جان زندانیان سیاسی ایران" در تورنتو و نیز هاداران تشكیلات دمکراتیک زنان ایران مقیم این کشور در محل اعتراض حضور بیدا کرده و پیام‌های خود را قراحت کردند.

دو ایستگاه تلویزیونی و یک نشریه سراسری کانادا با انجام مصاحبه‌هایی با اعتضاب کنندگان، در رساندن صدای اعتراض نیروهای



مبادر ایرانی به افکار عمومی کانادا کمک کردند.

لازم به تأکید است که گروه هنری شیلیانی با حضور در محل اعتضاب غذا، به اجرای ترانه‌های انقلابی و مترقبی شیلیانی پرداختند.

تفصیل در ص ۸

درود بر زندانیان توده‌ای و دیگر مبارزان انقلابی در بند!

جهانیان کشتار جمعی زندانیان سیاسی ایران را محکوم می‌کنند

اعتضاب غذادر کانادا

به دعوت هاداران حزب توده ایران در کانادا و به نشانه اعتراض به کشتارهای اخیر رژیم خونخوار ج.ا. در زندان‌ها، اعتضاب غذایی در شهر تورنتو برگزار گردید. بسیاری از ایرانیان آزادیخواه و نیز نمایندگان نیروهای متفرقی کانادائی و یا مقیم این کشور با حضور و یا ارسال پیام‌های همبستگی، ضمن ابراز همدردی با اعتضاب کنندگان و خانواده‌های داغدار زندانیان سیاسی، انجاز عمیق خود را از جنایات رژیم "ولایت فقیه" اعلام کردند.

همچنین به دعوت حزب کمونیست کانادا نمایندگان چندین سازمان پیشو و ترقی خواه مقیم کانادا و از آنجلمه از سوی "انجمن پاکستانی‌های دمکرات"، "انجمن دمکراتیک پرتفالی‌ها"، "سازمان دمکراتیک یونانیها"، "کلوب قبرسی‌ها"، "کنتره ملی افریقا"، "نمایندگی حزب کمونیست اوروکوشه"، "حزب کمونیست السالوادور"، "گروه هنری شیلی" و ... با صدور بیانیه مشترک جنایات رژیم را محکوم کردند و مراتب همبستگی خود را با حزب توده ایران و سایر نیروهای مترقبی ایران ابراز داشتند.

نمایندگان اتحادیه دانشجویان کره‌ای بوفالو (امریکا) و حزب کمونیست امریکا (شاخه بوفالو) پیام‌های همبستگی‌ای برای اعتضاب

تظاهرات در بلژیک

فاجعه کشتار زندانیان سیاسی در سیاه‌چالهای راکه در بلژیک بسیار بروند بر انتیکیخت. در این رابطه تظاهراتی در مقابله دفتر حقوق بشر بروکسل انجام گرفت و در آن شعارهایی در حمایت از زندانیان سیاسی ایران و محکومیت رژیم چنایتکار و ددمنش خبینی از سوی تظاهر کنندگان داده شد. اسناد زنده کشتارهای جمعی فرزندان برومند ایرانی در زندانها و اعلامیه‌هایی که در دسترس همکاران قرار گرفت، با استقبال بی‌نظیری روپرورد. همچنین احزاب و سازمانهای مترقبی و دمکراتیک و شخصیتهای سیاسی و اجتماعی با ارسال پیام‌هایی از نظاهر کنندگان حمایت کردند. از آن جمله: حزب کمونیست بلژیک، حزب کمونیست ترکیه - شاخه "بلژیک"، حزب کمونیست یونان - شاخه "بلژیک"، تشکیلات حزب کمونیست بلژیک در شهر لیئه، "جنیش مترقبی صلح"، سندیکا کی عمومی کارگری در بروکسل و لیئه، همچنین چند تن از نمایندگان پارلمان بلژیک، اساتید دانشگاهها و شخصیتهای برجسته سیاسی و اجتماعی بلژیک.

در پیاپی تظاهرات، متن قطعنامه تهیه شده با امضا "هزاران شهروند بلژیکی و نیز پیامهای همبستگی به دفتر حقوق بشر بروکسل تسلیم گردید.

اطلاعیه جامعه دفاع از

حقوق بشر در ایران (پاریس)

جمهوری اسلامی ایران به سرکوب و حشیانه مخالفان خود دست زده است. در زندانها، زندانیانی که عقاید خود را کتبیاً محکوم شکرده و به جمهوری اسلامی اعلام وفاداری نکنند، اعدام می‌شوند.

"جوخه‌های مرگ" آزادانه و بدون کوچکترین ترسی علیه مخالفان وارد عمل می‌شوند. این اعدامها که همه "نیروهای سیاسی رادر برگرفته، صدها موردنداشتمان می‌شود".

جامعه حقوق بشر (فرانسه) و جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران که اعضای "فدراسیون بین المللی حقوق بشر" هستند، قلم و قلم زندانیان سیاسی را شدیداً محکوم کرده و افکار عمومی بین المللی را به بسیج علیه نقض حقوق بشر در ایران فراخوانده اند و قاطعه‌خواستار.

توقف فوری اعدام زندانیان سیاسی - اعزام یک هیئت بین المللی برای بازدید از زندانهای (ج.ا.) شده اند.

در ایران کشتارها و گورهای

جمعی رژیم پول پوت

کسی را تکان نمی‌دهد

روزنامه "خبری - سیاسی آدمی‌لار" چاپ استانبول، یک ستون از شماره ۲، ۱۹۸۹ خود را به انکاس کزارش مریبوط به کشف گورهای جمعی زندانیان سیاسی اعدام شده در ایران - که در "نامه مردم" انکاس یافت - اختصاص داده است. این روزنامه پس از توضیح درباره "کشتار زندانیان سیاسی توسط رژیم خبینی و دفن آنها در گورهای کم عرق و جمعی" می‌نویسد: "در ایران دیگر کسی از اتفاق‌های گاز هیتلر، استادیوم‌های شیلی، از سیل خون در اندونزی سخن نمی‌گوید. دیگر گورهای جمعی رژیم پول پوت آنها را تکان نمی‌دهد. در ایران، هر کس، در روز، با چنین مناظری روبروست ..."

TUDEH Humeyni rejiminin içyüzünü açıkladı

POL POT REJİMİNİN KATLİAMLARI BİLE ARTIK ŞAŞIRTMUYOR

T UDEH partisi Politbüro İran'da Humeyni re'si SİYASİ HADER VE KATLIAMLARI İNCELEDİ

TUDİMLAR

Son günlerde Humeyni rejiminin zindanlarından gelen haberlere göre, tutukluların yargılanmadan kurşuna dizildiklerinde، ceselerinin yanına düşlerken، گلوله‌هایın topakla oturduktan ve گلوله‌هایın düşenlerin düşenlerini گلوله‌hâl engellemek için گلوله‌hâl mezarların dozeleri altoft edildiği, TUDEH bildiğinde verilen bilgiler arasında. Ayrıca Eylül 1988'den bu yana, tutukluların aileleriyle görüşmeleri izin verilmemiştir. belirtiliyor.

TUDEH bildiğinde, daha sonra "tutuklu aileleri ve parti dostları tarafından yüzüne ullaştırılmış ha-berlerde idam edilmenin" adları sıralanmaktadır sonra, ju görüp kılınır.

"Iran İslam Cumhuriyeti, kendisine olanları yoketmemi amaciyo. Artık ırın süre ayska katlamayaçıkları biliyor. Runun içen Humeyni'nin pasdarları gele kararlılığı cinayetlerini izlerini örtmeye çalışıyor."

İran'da artik kimse Hitler'in gaz odalarından Sili'deki stadyumdan, Endonezya'daki kan banyolarından söz etmiyor. Artık Kampuçya'daki Pol Pot rejiminin topu mezarları onları sarsıtmıyor. İran'da herkes, her gün bu olaylara tank oturuyor, olayları yayıyor." (2)

TUDEH partisi Politbüro İran'da Humeyni re'si SİYASİ HADER VE KATLIAMLARI İNCELEDİ

TUDİMLAR

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

دستها از افغانستان کو تا!

پشتیبانی حزب کمونیست بلژیک از فراخوان حزب ما

حزب کمونیست بلژیک با ارسال نامه‌ای برای حزب توده ایران، حمایت خود را از فراخوان مورخ ششم دیماه حزب توده ایران رسماً اعلام کرد. در این فراخوان از همه احزاب ترقیخواه و کمونیستی و کارگری خواسته شده بود تا ضمن محاکوم کردن جنایات رژیم ج.ا. در کشتار جمعی زندانیان سیاسی به لیست احزابی که طی نخستین هفتاد روز از این تاریخ کوشیدند، پیوستند. در این نامه سرپرست بعضی امور بین‌الملل حزب کمونیست بلژیک بر همبستگی کامل کمونیست‌های بلژیک با حزب توده ایران تأکید می‌ورزد.

وی همچنین توجه حزب ما را به نامه اعتراضی که دبیر ملی حزب کمونیست بلژیک چندی پیش و در پی اعلام اخبار مربوط به اعدام رهبران حزب توده ایران خطاب به وزیر امور خارجه بلژیک نوشته است، جلب می‌کند. در این نامه، با اشاره به سرکوب و اختناقی که اخیراً در ایران ابعاد بیویژه خطرناکی بخود گرفته برای اعدام هزاران تن از نیروهای مخالف رژیم واژ آن جمله عده بسیاری از اعضا و رهبران حزب توده ایران تأکید می‌شود.

وحشیگری جایزنیست

"کمیته دفاع از آزادیها و حقوق بشر در فرانسه و در جهان" نامه‌ای اعتراضی برای سفیر ج.ا.ا. در این کشور ارسال داشت. در این نامه با اشاره به کشتار جمعی زندانیان سیاسی، روی اعدام بسیاری از کادرها و رهبران دریند حزب توده ایران نیز انتکشتن گذاشته شده است.

در ادامه نامه "کمیته دفاع از آزادیها و حقوق بشر" که ریاست آن را ژوئن مارشه، شخصیت بر جسته و دبیر کل حزب کمونیست فرانسه، بر عهده دارد ضمن تأکید بر این که مردم فرانسه اعمال جنایتکارانه ج.ا.ا. را قویاً تقبیح و قاطعانه محکوم می‌کنند، آمده است: هیچکس نمی‌تواند این خشونتها، وحشیگریها و بی‌رحمی‌ها و سلب حق زندگی از انسانهارادر کند و جایز بشمرد.

"کمیته دفاع از آزادیها و حقوق بشر" در پایان خواستار قطع فوری سرکوب و اعدامها در ایران شده است.

آن را مقایر با قراردادهای ژنو، همه موافقین و قوانین بین‌المللی و در راستای افزایش تشنج در منطقه و جهان می‌دانیم. حزب توده ایران همه اعضا و هاداران خود را فرا می‌خواند تا با بهره‌گیری از همه امکانات موجود و به اشکال گوناگون به اشای سیاست ضد افغانی امپریالیسم، ارتقای رژیم خمینی بهداشت و از هیچ گونه همبستگی با رفقای افغانی و خلق افغانستان در این شرایط حساس دریغ نورزند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳۶۷ آسفند



مردم افغانستان به صلح و سازندگی و زندگی مسلط آمیز می‌اندیشند.

کمکهای مالی رسیده:

به استقبال پنجمین سال بنیانگذاری حزب ۵. مارک و ۵. دلار
کمک به خانواده‌های زندانیان سیاسی بوسیله کاوه ۱۰۰ مارک
کمک به خانواده‌های زندانیان سیاسی بوسیله امید ۱۰۰ مارک

اکنون نزدیک به یک سال از امضای قراردادهای ژنو (چهارده آوریل ۱۹۸۸) درباره حل سیاسی مسئله افغانستان می‌گذرد. در این مدت دولت جمهوری افغانستان پیکر آن در راه اجرای مفاد قرارداد و سیاست آشتبانی می‌گوشد و در پانزدهم فوریه، آخرین سرباز شوروی نیز خاک افغانستان را ترک کرد. بدینسان، دولتهای افغانستان و اتحاد شوروی پایان‌نیافرای مسئولانه به امضای خود در زیر قرارداد ژنرالهای همه جهانیان ثابت کردند. از سوی دیگر، پاکستان و ایالات متحده آمریکا نشان می‌دهند که برای تعهدات خود پیش‌زمانی قائل نیستند.

پاکستان همچنان میزبان اپوزیسیون مسلح افغانستان است و همه امکانات خود را در اختیار تروریستها می‌گذارد تا مردم بی‌گناه افغانستان را هدف کلوله و موشک "خود" قرار دهند. دولت آمریکا و متحدانش مرکب‌ترین جنگ افزارها را روانه پاکستان و ایران و از آن طریق افغانستان می‌کنند. اینان گویا "از یاد بوده اند" که طبق قراردادهای ژنو می‌باشد به حاکمیت، استقلال سیاسی، تمامیت ارضی، وحدت ملی، امنیت و عدم تهدید افغانستان احترام بگذارند و از تهدید و دستیازی به هر گونه اقدام قهرآمیز علیه نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای دیگر خودداری کنند. قراردادهای ژنو همه طرقهای ذینفع را فرا می‌خواند تا از "مد اخلاقه" مسلحانه، خرابکاری، اشغال نظامی و هر گونه مداخله "دیگر، چه آشکار و چه نهان" اجتناب ورزشند و این درست همان چیزی است که پاکستان و ایالات متحده آمریکانه تنها بدان عمل نمی‌کنند، بلکه با گستاخی شکفت آوری به نقض آن نیز "فخر" می‌فروشنند.

علی‌رغم این دسیسه تبهکارانه، دولت افغانستان و حزب دمکراتیک خلق افغانستان با شکنیابی و پیکری ستایش برانگیری، استوار در راه پیشبرد سیاست دور اندیشه‌انه "آشتبانی ملی" گام بردارکشی ای است که تنها امپریالیسم و ارتقای آن سود می‌برد.

در این شرایط حساس، حزب توده ایران بار دیگر همبستگی پرشور خوبیش را با مردم افغانستان و حزب برادر، حزب دمکراتیک خلق افغانستان، اپراز می‌دارد. ما سیاست مد اخلاقه‌گرانه دولتهای پاکستان، آمریکا و ایران علیه همسایه "شرقی" خود را بشدت محکوم می‌کنیم و

برقراریاد "جبهه آزادی و صلح"! سرنگون باد رژیم "ولایت فقیه"!

NAMAH MARDOM

Addresses: 1. P.B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden
2. Dr. W. SILBERMAYR, PF. 398, A-1141 WIEN, ÖSTERREICH

NO: 249

7 March 1989

نشانی‌های ۱-
پسته‌ی ۴-

نامه مردم